

کتابخانه
چیزهای
کوچک

www.ketab.ir

سرشناسه : روی، آرونداتی، ۱۹۶۱ - م.

Roy, Arundhati

عنوان و نام پدیدآور : خدای چیزهای کوچک / آرونداتی روی؛ با مقدمه‌ی جان آپدایک؛

ترجمه‌ی سیروس نورآبادی؛

مشخصات نشر : تهران: نقش جهان، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۴۶۲ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۸۸-۲۱-۶

جمعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : عنوان اصلی: The God of small things, ۱۹۹۷.

یادداشت : کتاب حاضر در سالهای مختلف تحت همین عنوان توسط مترجمان و ن
اشران مختلف ترجمه و چاپ شده است و یک بار نیز تحت عنوان "اله بی کسان
" در سال ۱۳۷۹ توسط انتشارات طبع منتشر شده است.

عنوان دیگر : اله بی کسان.

موضوع : داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.

موضوع : ۲۰th century -- English fiction

شناسه افزوده : آپدایک، جان، ۱۹۳۲ - ۲۰۰۹ م.، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده : Updike, John

شناسه افزوده : نورآبادی، سیروس، ۱۳۶۵ -، مترجم

شناسه افزوده : احمدی، آریامن، ویراستار

رده بندی کنگره : PZ3 / ر ۹۷۶ خ ۱۳۹۷

رده بندی دیویی : ۹۱۴/۸۲۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۶۰۴۰۴

www.ketab.ir

خدای چیزهای کوچک
آرونداتی روی
ترجمه‌ی سیروس نورآبادی
ویراستار: آریام احمدی - سمیه مهرگان
مدیر هنری: سراج جلد - امیرحسین دهقانی
صفه‌آرا: گیسو عباسی
لتراف: رافی: نقره آبی
چاپ و مضاف: چاپ الفبا
پیراز: ۷۰۰ نسخه
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸
شابک: ۶-۲۱-۶۶۸۸-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ وحید نظری، کوچه‌ی جاوید، شماره‌ی ۱
تلفن و نمابر: ۸-۶۶۴۷۵۴۴۷

نقشه

فهرست

- درباره‌ی ویسنت و تاد ۹
 خدای چیزهای کوچک؛ نارتوی آرونداتی روی / جان آپدایک ۱۳

خدای چیزهای کوچک

۱. ترشی‌ها و مرباهای بهشتی ۲۱
 ۲. حشره‌ی پاپاچی ۶۷
 ۳. مرد بزرگ، فانوس است؛ مرد کوچک، سله‌ی نیم‌سوز ۱۳۷
 ۴. سینمای ناطق آبیلاش ۱۴۵
 ۵. سرزمین خود خدا ۱۸۳
 ۶. کانگوروهای کوچین ۲۰۱
 ۷. دفترچه‌های مشق معرفت ۲۲۷
 ۸. به خانه خوش آمدی، سوفی مول ما ۲۴۱
 ۹. خانم پیلای، خانم ایآپن، خانم راجاگوبالان ۲۷۱
 ۱۰. رُودخانه در قایق ۲۸۱
 ۱۱. خدای چیزهای کوچک ۳۰۹
 ۱۲. کوچو تومبان ۳۲۵
 ۱۳. بدبین و خوش‌بین ۳۳۹
 ۱۴. کار، پیکار است ۳۷۳
 ۱۵. عبور ۳۹۹

- ۴۰۱..... ۱۶. چند ساعت بعد.....
- ۴۰۷..... ۱۷. ایستگاه بندر کوچین.....
- ۴۱۹..... ۱۸. خانه‌ی تاریخ.....
- ۴۳۱..... ۱۹. نجات آمو.....
- ۴۴۳..... ۲۰. قطار پُستی مدرّس.....
- ۴۵۳..... ۲۱. بهای زندگی.....

www.ketab.ir

درباره‌ی نویسنده و کتاب

آرونداتی روی (۱۹۵۰ - هند) را با گابریل گارسیا مارکز مقایسه می‌کنند؛ او نخستین نویسنده‌ی زن هندی است که توانست با نخستین رمانش «خدای چیزهای کوچک»^۱ در کنار نویسنده‌های بزرگی چون چارلز دیکنز، جیمز جویس، ویلیام فاکنر، جوزف کنراد و مارکز قرار بگیرد، و جایزه‌ی بوکر سال ۱۹۹۷ را از آن خود کند؛ رمانی که بلافاصله پس از انتشار، عنوان پرفروش‌ترین کتاب سال را از آن خود کرد و به صف کلاسیک‌هایی چون «صد سال تنهایی»، «طلح حلیی» و «خشم و هیاهو» پیوست.

زاویه‌ی دید و سبک نگارش آرونداتی روی در این رمان، چنان بی‌همتا و یکتا است و او با چنان دقت و ظرافت هرچه تمام‌تر سعی در گزینش مناسب‌ترین کلمات داشته است، که جان برجر، نویسنده، نقاش و شاعر برجسته‌ی انگلیسی، آن را «شاهکاری بی‌نظیر» برشمرد که «هرگز مثل آن نوشته نشده و خواهد شد».

«خدای چیزهای کوچک» با زاویه‌ی دید پیوسته در حال تغییر و روند غیرخطی

۱. بیست سال پیش، یعنی در اواخر دهه‌ی هفتاد، سه ترجمه از این رمان به فارسی منتشر شده بود، که هر سه ترجمه ضعیف و بسیار ضعیف بودند، به‌ویژه دوتا از ترجمه‌ها که به کلی از متن اصلی کتاب دور بودند. ترجمه‌ی حاضر از این رو صورت گرفته است، که جای خالی یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های قرن بیستم در کتاب‌خانه‌ی هر ایرانی خالی بود؛ به‌ویژه رمانی که به سبب هندی‌بودن نویسنده برای خواننده‌ی فارسی، درک و دریافت قصه‌اش راحت‌تر است. ذکر این نکته نیز بایسته است که دومین رمان آرونداتی روی که پس از بیست سال از رمان نخستش منتشر شده، به زودی از سوی نشر نقش جهان و با ترجمه فاطمه رحیمی‌بالایی و سیروس نورآبادی منتشر خواهد شد.

روایتش، و با نشر جنون آمیز شاعرانه‌اش مرز واقعیت و خیال را درهم می‌شکند؛ آن‌طور که جان آبدایک نویسنده‌ی بزرگ آمریکایی، آن را یک «رمان جاه‌طلبانه» و «اثر هنری هوشمندانه»یی می‌خواند که «زبان خاص و ویژه»ی خود را اختراع کرده؛ زبانی به‌واقع کمال یافته.

میچیکو کاکوتانی نویسنده و منتقد آمریکایی و برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر نقدنویسی، معماری روایت آرونداتی روی در «خدای چیزهای کوچک» را آن‌چنان قوی، دقیق و بی‌نظیر توصیف می‌کند، که از یک سو آن را رمانی فاکنر، بانه در بلندپروازی‌های خانوادگی و نژادی و طبقه‌یی می‌داند که به مانند دیگر، جامعه و شخصیت‌ها را تیزبینانه مشاهده می‌کند، و از سوی دیگر، نشر شاعرانه و موسیقایی آرونداتی روی با قدرت جادویی و اسطوره‌یی داستانی‌اش را نوعی رئالیسم جادویی به ما می‌آورد؛ آن‌طور که در هند او را با گابریل گارسیا مارکز مقایسه می‌کنند. وجه این، خارق‌العاده‌ترین رویدادهایی که در «خدای چیزهای کوچک» اتفاق می‌افتد، تنها تخیل پرشور و شعف صرف نیست؛ بلکه عوارض جانبی شور و شوق‌های زردمره‌ی روم است؛ همان‌طور که چاکو یکی از کاراکترهای رمان با صدای بلند خاصیت‌های مطالعه‌اش می‌گوید: «در طبیعت بشر هر چیزی امکان‌پذیر است. هر چیزی. عشق. جنون. امید. لذت بی‌پایان.» اگر آرونداتی روی گاهی با شور و شوق بیش از حدش از سرشت کاراکترهایش خبر می‌دهد، و گاه به سرخ‌های تیره و بدفرجام‌شان متوسل می‌شود، اما به‌طور بی‌نظیری مهارت‌های خود را در آکنده کردن داستانش از انچه‌های سخت تراژدی به رخ می‌کشد. آن‌طور که در فصل اول رمانش می‌نویسد: «که ره‌ها، یاس شخصی» هرگز نمی‌تواند به اندازه‌ی کافی نویدکننده باشد» که «هیچ‌گاه نمی‌تواند به اندازه‌ی کافی مهم باشد»، زیرا چیزهای بد قبل‌ترها اتفاق افتاده است و هم‌چنان اتفاق می‌افتد... چنان‌چه در رمان بزرگ و خیره‌کننده‌اش می‌بینیم، بدیاری‌های «نسبتاً کوچک» کاراکترها، هم قلب آدمی را به درد می‌آورد و هم از بین‌رفتگی و زایل‌نشدن است.»

ایان رانکین، بزرگ‌ترین نویسنده‌ی معاصر اسکاتلند نیز «خدای چیزهای کوچک» را

«یک ایده‌ی کوتاه درخشان» می‌دان «اثری ادراکی، که تمام آن‌چه را که نیاز هست درباره‌ی چالش برانگیزترین و پرنرزی‌ترین رمان تمام این سال‌ها بگویند، بیان می‌کند.» هارپرز اند کوپین آن را شاهکاری که از همه لحاظ منحصربه‌فرد است توصیف می‌کند. و دیوید استرایتفلد منتقد و اشنگتن پُست نیز «خدای چیزهای کوچک» را از آن دست رمان‌هایی می‌خواند که وادارت می‌کند پس از خواندنش، دوباره به سراغش بروی و بارها و بارها بخوانی‌اش...

«ای چیزهای کوچک» داستان خواهر و برادر دوقلویی است به نام راحل و استا که سدام در زمان به گذشته (هفت سالگی راحل و استا، ۱۹۶۹) و حال (۳۱ سالگی راحل و استا، ۱۹۹۳) کشیده می‌شوند. آن‌ها عقیده دارند مادرشان با به‌دنیا آوردنشان در اتوبوس، آن‌ها را یک عمر از اتوبوس سواری مجانی محروم کرده. آن‌ها همیشه جملات ۱۰ از آخر به اول و وارونه می‌خوانند. داستان با ورود سوفی مول دختردایی ده‌قاره‌ها، تعطیلات کریسمس از انگلیس به هند، وارد مرحله‌یی می‌شود که زندگی دوقله‌ها را برای ابد در بی‌زمانی و بی‌مکانی معلق می‌کند: چونان «فردا»یی نآمده، آن‌ها را که رمان نیز با آن «فردا» تمام می‌شود؛ پایانی که آغازی است دیگر بار در خیابانی که ازل کشیده می‌شود و تا ابدیت می‌رود...